

## انگ‌زنی به اشخاص متهم و محکوم کیفری رویکرد امنیت‌گرایی کیفری\*

- عباس منصورآبادی<sup>۱</sup>
- محمدکاظم زارع<sup>۲</sup>

### چکیده

فرایند انگ‌زنی، مشتمل بر اقدام‌ها، تدابیر و ضمانت اجرای کیفری است که رسالت اصلی خود را در برجسب‌زنی و شرمسار نمودن متهمان و مجرمان می‌جوید و از گذشته تا کنون در نظام کیفری کشورهای مختلف، به ویژه ایالات متحده آمریکا وجود داشته و در حال حاضر به دلیل وقوع حوادث سیاسی تأثیرگذار و به جهت حاکمیت سیاست کیفری امنیت‌گرا، رایج‌تر شده است. مقوله انگ‌زنی در نظام کیفری کشورمان ضمن دارا بودن پیشینه قابل توجه، در حال حاضر در قوانین نوین کیفری - شامل قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ - مورد تجویز و یا الزام قرار گرفته که مصادیق آن در حقوق ایران، یکی از جلوه‌های سیاست جنایی امنیت‌گرا به شمار می‌آید. از این رو در این پژوهش تلاش کرده‌ایم ضمن تحلیل معنا و مفهوم

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۱. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (behmansour@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران (mzare\_86@ut.ac.ir).

انگ‌زنی، این مقوله را از منظر جلوه‌های امنیت‌گرایی کیفری مورد مذاقه قرار دهیم. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار ما به انگ‌زنی به اشخاص روی آورده است و ضرورت دارد که در این زمینه تجدیدنظر به عمل آورد.

**واژگان کلیدی:** انگ‌زنی، تسامح صفر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، دادرسی عادلانه، برابری سلاح‌ها، فرض بی‌گناهی.

#### مقدمه

انسان موجودی است که ذاتاً و فارغ از نژاد و سایر ویژگی‌های شخصیتی، دارای کرامت و ارزش ذاتی است. در ادیان آسمانی به ویژه شریعت مقدس اسلام نیز این مهم مورد تأکید جدی واقع شده است. خداوند متعال در قرآن کریم به صراحت این ارزش ذاتی را مورد اشاره قرار داده است.<sup>۱</sup> از نظر عارفان به ویژه ابن عربی، کرامت انسانی از آنجاست که خدای بزرگ او را بر صورت الهی (الصورة الإلهية) آفریده و از او موجودی حامل اسماء و صفات حق ساخته است. انسان از این جهت مانند آینه حق و مظهر او جلوه می‌کند و بر مثال آینه، هم نشانی از حقیقت مطلق و جمال و جلال ابدی را و هم جز موجودی مجازی ارائه نمی‌دهد (فیض، ۱۳۹۰: ش ۱/۱۳۹). به رغم این ارزش ذاتی، در جوامع مختلف از جمله جامعه ایران، فرایند انگ‌زنی و بدنام نمودن متهمان و مجرمان وجود داشته و در حال حاضر به نوعی رو به افزایش است.

فرایند انگ‌زنی، انتساب برچسب کیفری از گذر فرایند عدالت کیفری به اشخاص است. هرچند جرم‌انگاری و کیفرگذاری به خودی خود دارای خصیصه انگ‌زنی می‌باشند، برخی تدابیر و ضمانت‌اجراها از جمله تدابیر شرمسارکننده، خاصیت انگ‌زنی شدیدتری دارند و به عبارتی هدف غایی در آنها همان انگ‌زنی مجرمانه است؛ به گونه‌ای که تلاش بر این است که با انگ‌زنی شدید مجرمانه، شخص را در

۱. خداوند می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در صحرا و دریا [بر مرکب‌های راهوار] سوار کردیم و از نعمت‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء / ۷۰). در تفسیر این آیه در بین مفسران، در اصل این موضوع که خداوند انسان را بر همه موجودات برتری بخشیده، اختلاف نیست. اما در خصوص علت این اکرام، عده‌ای به قوه عقل و نطق و استعدادهای مختلف و آزادی اراده اشاره کرده و عده‌ای اندام موزون راست‌قامت را دلیل این اکرام دانسته‌اند، ضمن آنکه عده‌ای دیگر موهبت انگشتان یا سلطه او بر تمام موجودات را به عنوان فلسفه این کرامت تلقی کرده‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۹۷-۱۹۸).

قالب مجرم به کل جامعه معرفی کنند که البته چنین اقداماتی نه تنها نگرش جامعه را در مورد شخص تغییر می‌دهد، بلکه بر تصور فرد درباره خود نیز مؤثر است. بنابراین زمانی که شخص دستگیر، محاکمه و در نهایت محکوم می‌شود، در واقع جامعه طی این فرایند او را به طور رسمی و گسترده به عنوان مجرم معرفی می‌کند (ولد، برنارد و اسنپیس، ۱۳۸۰: ۳۰۱). در این صورت چه‌بسا شخص، تصویر داده‌شده به خود از سوی جامعه را بپذیرد و بر اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر داده و خودانگاره مجرمانه در وی شکل گیرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳: ۱۵۸). در تغییر خودانگاره نامجرمانه و پذیرش خودانگاره مجرمانه، عواملی چند مؤثرند: ۱- شمار کسانی که شخص را مجرم معرفی می‌کنند یا پس از اطلاع‌رسانی عمومی (به عنوان فن کنترل اجتماعی) با برچسب‌زنندگان هم‌نویی می‌کنند. ۲- دفعات برچسب، که هر چه فرد بیشتر برچسب بخورد، احتمال اینکه خودانگاره مجرمانه بگیرد، افزایش می‌یابد. ۳- دفاع فرد برچسب‌خورده در مقابل حمله‌های واکنش اجتماعی، که موجب می‌شود وی برای کاستن از فشارهای ناشی از حمله، برچسب مجرمانه را بپذیرد؛ زیرا کسانی که خود را کاملاً مجرم تصور می‌کنند، هنگامی که دیگران آن‌ها را با این عناوین معرفی می‌کنند کمتر تهدید می‌شوند (محتشمی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳).

در خصوص جلوه‌های انگ‌زنی، در این مقاله بر مصادیق شدید انگ‌زنی که شامل تدابیر و ضمانت اجرای شرم‌سازکننده مانند انتشار حکم محکومیت و یا اجرای علنی کیفرهاست، تأکید می‌شود. فرایند انگ‌زنی از طریق تدابیر شرم‌سازکننده، از حیث تاریخی تقریباً در تمامی جوامع قدیم اعم از ایران باستان،<sup>۱</sup> بین‌النهرین<sup>۲</sup> و اروپا،<sup>۳</sup>

۱. در زمان هخامنشیان چون ریاست عالی‌رتبه امور قضایی کشور بر عهده شاه بود، وی بزرگ‌ترین داور محسوب می‌شد و کیفرهای تزدیلی را به نحوی که صلاح می‌دید، اجرا می‌کرد (سامی، ۱۳۴۴: ش ۱۱۳/۷).
۲. برای نمونه مطابق ماده ۱۲۷ قانون حمورابی، مجازات داغ کردن در مورد کسی که راهبه یا زن متأهلی را به زنا متهم می‌کرد و از عهده اثبات آن برنمی‌آمد، اجرا می‌شد (وکیل گیلانی، ۱۳۸۳: ۳۴). این موضوع به این دلیل بود که در قانون‌نامه حمورابی، انگ‌زنی بزهکار و نشان‌دار کردن مجرم با اعمال کیفر بدنی گوش بریدن، نابینا کردن، دست بریدن، مهر داغ بر پیشانی زدن و... صورت می‌گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴-۹۵: ۳۶) و بر خلاف حقوق کیفری امروزی، مجازات‌ها تنوعی چندانی نداشتند.
۳. برای نمونه در اروپای قدیم از جمله کشور انگلستان، زنان بزهکار را بر روی گاری‌های کودکش قرار می‌دادند و در همین حال شخصی ماجرا را به اطلاع همه می‌رساند و محکوم را در حالی که جلوتر از جارچی می‌رفت، وادار به طی کردن خیابان‌ها و کوچه‌های شهر می‌نمودند (مارتینز، ۱۳۸۵: ۵۲).

کم‌وبیش اجرا می‌شد که البته با نگاهی به سوابق آن در گذر تاریخ، صرفاً شاهد مدرن شدن شیوه آن هستیم. حقوق کیفری فعلی ایران که با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ دگرگون شده، چنین رویکردی را به نحوی چشمگیر در پیش گرفته است.<sup>۱</sup> در خصوص مصادیق انگ‌زنی از طریق تدابیر شرمسارکننده در نظام کیفری ایران، لازم به ذکر است که تا پیش از تصویب مقررات کیفری کنونی، برخی قوانین و مقررات به طور پراکنده انگ‌زنی و شرمسار نمودن اشخاص را که بیشتر واجد جنبه موضوعی و خاص بود، تجویز نموده بود که البته بخشی از این مصادیق نیز همچنان دارای اعتبار قانونی است.<sup>۲</sup> در قوانین کیفری جدید ایران که نشانگر سیاست جنایی نوین است، شاهد مصادیق انگ‌زنی در مراحل تحقیق و تعقیب، کیفرگذاری و حتی اجرای مجازات هستیم؛ چه اینکه در قانون مجازات اسلامی، مجازات انتشار حکم محکومیت طی مواد ۲۳ و ۳۶، در دو بعد کیفر اصلی و کیفر تکمیلی مورد تجویز یا الزام قرار گرفته و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز طی مواد ۹۶ و ۴۹۹،<sup>۳</sup> نهاد انگ‌زنی متهمان و محکومان به نحو چشمگیری پیش‌بینی شده است. از این رو، این شیوه قانون‌گذاری نمایانگر نگرش قانون‌گذار ایران به انگ‌زنی

۱. یکی از ریشه‌های این امر، خواست عمومی و کیفرگرایی فرهنگی است. در واقع یکی از زمینه‌های ظهور کیفرگرایی در نزد عموم را می‌توان اعمال مجازات مجرمان به طور علنی یافت. استقبال عموم از مجازات اعدام در علن، به نحوی که گاه همراه با حضور چند صد یا چند ده‌هزار نفر است، تنها بیانگر تمایل اجتماعی به اجرای عدالت نیست، بلکه به نحوی بیانگر تمایل عمومی به سیراب کردن عطش انتقام و تغذیه تمایل به خشونت در ملأ عام نیز هست (غلامی، ۱۳۹۵: ۳۶۷).

۲. از جمله: الف) ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، ب) مواد ۲۲ و ۳۵ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، ج) ماده ۶ قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت‌وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸، ه) تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (هم‌اکنون این تبصره نسخ شده است).

۳. شایان ذکر است که در دو ماده مزبور، اختیار انتشار حکم محکومان و اجرای علنی مجازات‌ها در مواردی متعدد در اختیار مقامات دادرسی و دادگاه گذاشته شده است. چنین مقاماتی به راحتی قادر به اعلام نام متهمان و مجرمان و اجرای علنی کیفر هستند که این خود مصداق بارز انگ‌زنی کیفری است. در واقع وقتی نام شخصی به عنوان متهم در رسانه‌ها اعلام و یا حکم مجرمی به صورت علنی اجرا شود، نوعی انگ مجرمانه به وی می‌خورد و زین‌پس جامعه شخص را به عنوان بزه‌کار و متخلف می‌شناسد و چنین شخصی که به تدریج خودنگاره و تصور نسبت به خود را تغییر می‌دهد، مجبور می‌شود که ادامه زندگی را در محیط‌های مجرمانه دنبال نماید.

شدید از طریق شرمسار نمودن اشخاص است؛ زیرا در مواد قانونی پیش‌گفته، انتشار حکم محکومیت یا اعلام نام متهمان و اجرای علنی مجازات‌ها به نحو گسترده‌ای تجویز شده که منجر به انگ‌زنی افراد در سطح وسیعی از جامعه می‌شود. از منظر رویه عملی نیز اعلام حکم برخی متهمان یا مجرمان اقتصادی به خوبی این رویکرد اخیر را تقویت می‌نماید.<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>

۱. برای نمونه: «رئیس دادگاه انقلاب حکم محمودرضا خاوری، رئیس اسبق بانک ملی در دولت احمدی‌نژاد را در پرونده فساد ۳۰۰۰ میلیارد تومانی صادر کرد. حجة الاسلام موسی غضنفرآبادی به این‌ها گفت: در حکم این پرونده که در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب صادر شده است، خاوری به دلیل اخلال در نظام اقتصادی کشور به ۲۰ سال و به دلیل اخذ رشوه به ۱۰ سال و به جریمه نقدی معادل مبلغ رشوه ۳ میلیون دلاری محکوم شده است» (روزنامه شرق، ۱۹ آذر ۱۳۹۶، قابل دسترس در: <<http://sharghdaily.ir/News>>). «روز گذشته دو خبرگزاری فارس و تسنیم گزارش دادند که حکم اعدام متهمان ردیف دوم و سوم پرونده فساد از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به حبس ابد تغییر کرده است. فارس نوشت که بر اساس اخبار به‌دست آمده، قاضی مقیسه دو همدست زنجان را مستحق اعدام شناخته است. تسنیم هم اعلام کرد که «م.ش.» و «ح.ف.ه.» که بیشتر به اعدام محکوم شده بودند، اما حکم آن‌ها در دیوان عالی کشور نقض شده بود، از سوی دادگاه انقلاب تهران به حبس محکوم شدند» (همان، ۷ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترس در: <<http://sharghdaily.ir/News>>).

چنین مواردی که مبتنی بر اعلام نام متهمان و مجرمان است، بیانگر نوعی انگ‌زنی مجرمانه به اشخاص است؛ زیرا با اعلام نام چنین اشخاصی، نوعی انگ مجرمانه به آن‌ها می‌خورد و در جامعه با چنین نامی شناخته می‌شوند. در رویه قضایی، اظهارنظرهایی این چنین یافت می‌شود تا آنجا که برخی مسئولان به صراحت عنوان می‌نمایند که نام مرتکبان جرائم خاصی باید در رسانه‌ها اعلام شود. با توجه به اینکه بعضی از این اشخاص هنوز متهم هستند و جرم ارتكابی آن‌ها اثبات نشده، چنین اظهارنظرهایی بیانگر سیاست سختگیرانه برچسب‌زنانۀ کیفری است.

۲. در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا نیز دیرزمانی است که این مقوله در شکل‌های مختلفی مورد قبول واقع شده است (Dynes & Whitmer, 2013: 516). در نظام جزایی این کشور، مقوله بدنام کردن اشخاص دارای پیشینه چشمگیری است. در زمان سابق در این کشور، بدنام کردن اشخاص یکی از شیوه‌های مشهور اجرای مجازات‌ها شناخته می‌شد؛ به نحوی که به نقل از برخی منابع مستند، دست و پای مجرمان به چوب‌هایی در ملأ عام بسته می‌شد. همچنین از جمله روش‌های دیگر اجرای مجازات در این کشور این بود که مجرمان در ملأ عام از طریق نوشتن یادداشتی به نادرست بودن رفتار خود اقرار می‌کردند (Goldman, 2015: 418). در کشور مزبور، از نظر تاریخی ابتدا بخش‌هایی از مستعمرات، نمونه کامل و بارز نظام‌هایی تلقی می‌شدند که از کیفرهای بدنام‌کننده و تحقیر مجرمان استفاده می‌کردند؛ برای نمونه در مستعمرات پیوریتن تلاش بر اجرای آداب و رسوم فرهنگی از طریق ضمانت اجراهای مبتنی بر بدنام‌سازی مجرمان در قالب تحقیر آن‌ها در ملأ عام و دعوت از مردم برای نظارت بر اجرای مجازات بود. اندیشمندان دلایل متعددی را برای چرایی کثرت انگ‌زنی به اشخاص در این

شایان ذکر است که هرچند در پژوهش‌های موجود تلاش در جهت معرفی رویکرد امنیت‌گرایی در نظام‌های کیفری بوده، اما در پژوهش حاضر در پی بررسی انگ‌زنی اشخاص از منظر رویکرد امنیت‌گرایی کیفری هستیم؛ بدین معنا که آیا گرایش افراطی سیاست کیفری کشورمان و یا برخی کشورهای دیگر نسبت به انگ‌زنی به ویژه از طریق شرمسار نمودن اشخاص، به دلیل تمایل به امنیت‌گرایی کیفری است یا خیر؛<sup>۱</sup>

→ کشور ذکر کرده‌اند که عمده این دلایل را می‌توان کوچک بودن جوامع محلی آمریکا در دوره‌های پیشین و در نتیجه شناخت متقابل افراد از یکدیگر، عدم نقل مکان افراد جامعه از محلی به محل دیگر و همچنین مذهب موجود در کشور که با دارا بودن نقش برجسته در تدوین حقوق این کشور، مقوله بدنام‌سازی را مورد حمایت قرار می‌داد، برشمرد (همان). در نظام کنونی این کشور، واقعه ۱۱ سپتامبر نقطه عطف اصلی اقبال به بدنام کردن اشخاص محسوب می‌شود؛ چه اینکه بعد از واقعه مزبور به جهت پررنگ شدن رویکردهای امنیت‌گرا و تلاش در جهت دشمن‌انگاری مجرمان، اقبال به انگ‌زنی اشخاص با افزایش بیش از پیش مواجه گردیده است (روت، ۱۳۸۷: ۳۵۶/۲). در کشور مزبور در سال‌های اخیر، استفاده از پدیده بدنام کردن اشخاص در آرای دادگاه‌ها از جمله محکوم نمودن مرتکبان به استفاده از پوششی خاص - که نشانگر ارتکاب جرم توسط آن‌هاست - نمود پیدا کرده است؛ برای نمونه، تجاوز و کشتن دختری ۷ ساله توسط مردی در یک کازینو در ایالت لاس‌وگاس از این جمله است (Etzioni, 1999: 1). نمونه دیگر اینکه دادگاهی در ایالت کالیفرنیا در پرونده مک‌دوول که دارای سه فقره محکومیت سرقت بود، مرتکب را محکوم به پوشیدن کفش‌های صدادار - کفش‌هایی با پاشنه فلزی که در مراسم رقص استفاده می‌شد - در بیرون از خانه نمود (Dynes & Whitmer, 2013: 516). با این اوصاف توسل به لکه‌دار کردن مجرمانه اشخاص، به یکی از اجزای اصلی نظام عدالت کیفری ایالات متحده تبدیل شده است (Reutter, 2015: 38).

۱. در خصوص تبیین معنا و مفهوم امنیت‌گرایی کیفری می‌توان اشاره داشت که گرایش شدید به دو مفهوم امنیت و پیشگیری یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی دوران جدید است و این روند چنان ادامه یافته که امروزه رشته «حقوق امنیت» به عنوان یک رشته رقیب حقوق سنتی ایجاد گردیده و آنچه که در این رشته جای تأمل دارد این است که بسیاری از تضمین‌های موجود در حقوق کیفری (اصل قانونی بودن، اصل تقصیر، اصل برائت و...) در این رشته رقیب آن‌چنان که باید وجود ندارد؛ گویی که اقبال به آن نیز به دلیل عدم وجود همان قیود و محدودیت‌های کارکردی حقوق کیفری سنتی است (صدر توحیدخانه، ۱۳۸۸: ۴۶۶). بنابراین امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر پیکره سیاست جنایی تحمیل می‌گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ش ۴۲/۱۸). از سوی دیگر، امروزه در حیطه جرم‌شناسی نیز امنیت‌گرایی راه یافته است. «در واقع مفهوم جرم‌شناسی امنیتی در برابر جرم‌شناسی هنجارمند قرار می‌گیرد. جرم‌شناسی هنجارمند یعنی عبور دادن راهکارها و یافته‌های جرم‌شناسی از سنجه حقوق بشر برای وارد کردن آن‌ها در حقوق کیفری؛ جرم‌شناسی امنیتی علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم‌شناسی خطر، ریسک یا به عبارتی «جرم‌شناسی قانون و نظم» (مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ش ۱/۱۶۱).

زیرا اگر ثابت شود که چنین اقداماتی از سوی قانون‌گذار ناشی از تمایل شدید وی به امنیت‌گرایی کیفری است، این نتیجه قابل حصول است که با توجه به جلوه‌ها، کارکرد و نتایج نامطلوب امنیت‌گرایی - که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود- تمسک افراط‌آمیز قانون‌گذار کشورمان به اقدام‌ها و ضمانت‌اجراه‌های انگ‌زنانه به هیچ وجه مقبول نیست. در یک مطالعه کلی می‌توان گفت که گفتمان امنیت‌گرایی کیفری اصولاً در عرصه ماهوی و شکلی ظهور و بروز پیدا می‌کند و فرایند انگ‌زنی از منظر این جلوه‌ها قابل بررسی و تحلیل به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به اینکه در این مقاله در صدد تحلیل بدنام کردن و انگ‌زنی افراد در پرتو جلوه‌های امنیت‌گرایی کیفری هستیم، ابتدا به بررسی انگ‌زنی از منظر جلوه‌های ماهوی و سپس جلوه‌های شکلی امنیت‌گرایی انگ‌زنانه خواهیم پرداخت.

### نخست: جلوه‌های ماهوی

منظور از جلوه‌های ماهوی، نمودهای امنیت‌گرایی کیفری در عرصه قوانین و مقررات ماهوی است. این جلوه‌ها عبارت‌اند از: توسل به سیاست کیفری تسامح و تساهل صفر، رویکرد ریسک‌مدار به حقوق کیفری (از طریق دوری از اندیشه اصلاح و درمان و تمسک به عدالت کیفری زودآما). بنابراین در این بخش فرایند انگ‌زنی و بدنام کردن اشخاص از منظر این جلوه‌ها مطالعه می‌شود.

#### الف) توسل به سیاست کیفری تسامح و تساهل صفر

توسل به سیاست کیفری تسامح و تساهل صفر، یکی از جلوه‌های امنیت‌گرایی کیفری و نگرش سختگیرانه نسبت به مجرمان در بعد ماهوی است. از منظر لغوی، تسامح به معنای «مدارا کردن، سهل گرفتن بر یکدیگر یا آسان گرفتن است» (معین، ۱۳۷۵: ۱۰۷۸/۱). در اصطلاح نیز تسامح و تساهل صفر<sup>۱</sup> به معنای اجرای قانون کیفری بدون هیچ گونه اغماضی است (آقایی‌نیا و جوانمرد، ۱۳۸۹: ش ۱۴/۲). در این سیاست، عمده توجه بر این است که برای پیشگیری از جرائم بزرگ‌تر باید نگاه و نگرش مسامحه‌ای را

1. Zero tolerance.

نسبت به جرائم کوچک‌تر حذف نمود. اصولاً امروزه نه تنها جرائم کلان بلکه جرائم خرد نیز به جهت دارا بودن پتانسیل ایجاد حس بی‌تکلفی و عدم پابندی به ارزش‌ها و در نهایت ارتکاب جرائم شدیدتر، مورد توجه قانون‌گذاران کیفری و مجریان دستگاه عدالت کیفری است. این شیوه‌نگرش سبب شده که از دهه ۹۰ میلادی، جرم‌شناسان آمریکایی به بررسی جرائم خرد و تأثیر آن بر سطح کیفی زندگی شهری بپردازند. حاصل این مطالعات نظریه‌ای بود که به نظریه «پنجره‌های شکسته» در آمریکا معروف شد و با اندکی تأخیر، الگوی اروپایی آن در قالب راهبرد تسامح (تحمل صفر) با جدیت در اروپا دنبال گردید (جوانمرد، ۱۳۸۶: ش ۷۱/۳). تسامح و تساهل صفر به عنوان یکی از مصادیق جنبش‌های بازگشت به کیفر به ویژه در سیاست کیفری کشورهای غربی، تمهیدی است که توسط نومحافظه‌کاران آمریکا ابداع و ترویج شد (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ش ۱۵-۱۶/۲۵۵). طراحان این سیاست، ویلسون و کلینگ هستند که در سال ۱۹۸۲ مقاله‌ای با همین عنوان در ماهنامه *آتلاتیک ماثلی* منتشر نمودند. به دنبال آن در کشورهای مختلف<sup>۱</sup> (نه صرفاً کشورهای غربی) قوانین متعددی تصویب شد و آن‌ها با اتخاذ یک رویکرد امنیت‌گرا در جهت تشدید نظام کیفری خود برآمدند.

در خصوص جرائم خرد<sup>۲</sup> به عنوان یکی از نکات مورد توجه در سیاست تساهل و تسامح صفر، برخی نویسندگان این جرائم را شامل جرائمی می‌دانند که مجازات آن‌ها کمتر از ۱ سال حبس یا جزای نقدی اندک است (نوروزی، ۱۳۸۴: ش ۲۵۸/۶۸). برخی دیگر این جرائم را شامل اعمالی می‌دانند که اصولاً با ارزش‌های اساسی و بنیادین کشورها و نظام‌های سیاسی مرتبط نیستند (آقایی‌نیا و جوانمرد، ۱۳۸۹: ش ۱۱۲/۲). از آنجا که ایالات متحده آمریکا بستر اصلی طرح و اجرای سیاست مزبور به شمار می‌آید، توسل به این سیاست به ویژه از طریق تشهیر اشخاص بیشتر در این کشور جریان پیدا کرد. در این کشور، قوانین و احکامی برای مجازات‌های برجسب‌زننده در خصوص جرائم خرد وجود دارد. از جمله جرائمی که در نظام کیفری آمریکا به شدت مورد برخورد

۱. حتی قانون امنیت داخلی فرانسه مصوب ۲۰۰۳ از سیاست تساهل صفر و پنجره شکسته الهام گرفته است (برنجی اردستانی، ۱۳۸۹: ش ۳۵/۳).

2. Petty offences.



بدنام کننده قرار می‌گیرد، جرائم جنسی است؛ برای نمونه در این کشور یکی از قوانینی که به سختگیری کیفری و محدود نمودن حقوق متهمان انجامید، قوانین مربوط به انگ‌زنی نسبت به مجرمان جنسی بود که به موجب آن مجرمان جنسی حتی پس از تحمل دوران حبس مجبور بودند بدنامی ناشی از محکومیتشان را در جامعه به دوش بکشند. از جمله معروف‌ترین این قوانین، قانون فدرال مگان (۱۹۹۶) است که به موجب آن هر ایالت ملزم به ایجاد سازوکارهایی برای آگاه‌سازی مردم از مجرمان جنسی از طریق شرمساری آنهاست. در کشور مزبور، تعداد قابل توجهی از این نوع قوانین ملاحظه می‌شود؛ به ویژه آنکه از طرقی مثل الزام مجرمان به پوشیدن لباس‌هایی که نمایانگر جرمشان باشد و یا از طریق نصب علاماتی بر خانه‌هایشان، در پی شرمساری مجرمان بوده است (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۹).

در نظام کیفری ایران نیز بخشی از جرائم موجود در قوانین کیفری که مطابق درجه‌بندی مجازات‌ها در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جرائم تعزیری درجه ۶ و پایین‌تر محسوب می‌شوند، می‌توانند جرائم خرد تلقی شده که به موجب قوانین موجود از جمله ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> از باب مجازات تکمیلی، فرایند انگ‌زنی در آنها از طریق انتشار حکم در اختیار دادگاه قرار گرفته است.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، مجازات‌های

۱. به موجب این ماده دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه ۶ تا درجه ۱ محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین، ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین، پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی، ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، ج- منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجارت، چ- منع از حمل سلاح، ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور، خ- اخراج بیگانگان از کشور، د- الزام به خدمات عمومی، ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی، ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم، ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، ژ- الزام به تحصیل، س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

۲. زیرا مصادیق موجود در ماده ۲۳ که ناظر به کیفرهای تکمیلی است، شامل قسمت عمده‌ای از مجازات‌ها به ویژه جرائم خرد مثل جرائم مستوجب تعزیر درجه ۶ و پایین‌تر و تمامی حدود حتی جرائم حدی کم‌اهمیت می‌شود که به موجب بند س این ماده، قابلیت انتشار حکم را به عنوان مصداق بارز انگ‌زنی دارند.

تکمیلی که بیشتر جنبه بازدارندگی مجرمان از جرائم شدیدتر را دارند در جرائم خرد می‌تواند تبلور سیاست تساهل و تسامح صفر باشند که قانون‌گذار با اعطای اختیار انتشار حکم محکومیت قطعی در بند س ماده مزبور به دادگاه در طیف گسترده‌ای از جرائم به ویژه جرائم خرد، بر آن بوده که با انگ‌زنی مرتکبان، خواسته دیگر خویش مبنی بر پیشگیری از جرائم سنگین‌تر را جامه عمل پوشاند.<sup>۱</sup> چنین نگاهی در خصوص مصادیق انگ‌زنی در قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ نیز به شدت یافت می‌شود؛ زیرا در این قانون نیز ضمانت اجرای نصب پارچه یا پلاکارد در محل برای مرتکبان گران‌فروشی طی مواد ۲۲ و ۳۵ پیش‌بینی شده است که این امر نیز مبتنی بر نشان‌دار کردن مرتکبان جرائم خرد است و با توجه به اینکه در نظریه تسامح صفر، عمده نگاه بر مبارزه کیفری مطلق با جرائم خرد و پیشگیری از آن است ملاحظه می‌شود که با توجه به توسعه دادن مصادیق انگ‌زنی در سیاست فعلی کیفری ایران، چنین نگاهی به ویژه در مورد ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> مصوب ۱۳۹۲ و موادی از قانون تعزیرات حکومتی - که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت - مشاهده می‌گردد.

این سیاست از حیث موفقیت یا عدم موفقیت در حقوق فعلی کیفری ایران، همان‌گونه که برخی اندیشمندان بیان داشته‌اند، هرچند استفاده از انگ‌زنی و تدابیر انگ‌زننده ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های خاص و یا در مورد افرادی خاص مناسب باشد، یک علاج قطعی نیست؛ زیرا هر نظریه علمی که فرضاً در کشورهای دیگر از جمله کشورهای غربی اتخاذ شود، بدین معنا نیست که در کشور ما هم موفق باشد. در واقع پاسخ‌گویی به برخی جرائم خرد - که اصولاً ارتباطی با حوزه امنیت و منافع اساسی کشور نداشته - از طریق راهبرد تساهل و تسامح صفر و کیفرهای بدنام‌کننده نمی‌تواند چندان مورد توجه قرار گیرد. از این گذشته حتی برخی مؤلفان غربی، به کلی

۱. برای نمونه جرائمی همچون طیف گسترده‌ای از جرائم رایانه‌ای و تعداد کثیری از جرائم تعزیری موضوع قانون تعزیرات مانند جرائم ناشی از تخلفات رانندگی که ماهیتاً غیر عمدی بوده و تعداد زیادی از جرائمی را که ارتباطی با منافع اساسی جامعه نداشته و اصولاً جرائم خرد شناخته می‌شوند، می‌توان به استناد ماده مزبور از قانون مجازات اسلامی با کیفرهای بدنام‌کننده پاسخ گفت.

۲. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، بند س این ماده، انتشار حکم محکومیت را به عنوان یکی از مجازات‌های تکمیلی تعیین نموده است.

با چنین سیاستی مخالف بوده و آن را مفهومی تصنعی و غیر واقعی پنداشته و نتیجه اجرای چنین سیاستی را تخریب حمایت عمومی از قانون‌گذار و دستگاه حاکم دانسته‌اند (رسن، ۱۳۸۴: ش ۱۷۳/۴). بنابراین مصادیق انگ‌زنی اشخاص در جرائم خرد که جلوه‌ای از امنیت‌گرایی کیفری محسوب می‌شود، چندان با موفقیت همراه نخواهد بود.

### ب) رویکرد ریسک‌مدار به حقوق کیفری

سیاست جنایی ریسک‌مدار با تأکید بر سنجش ریسک جرم، با تضعیف سیاست اصلاح و درمان و شکل‌گیری جنبش حرکت به سوی کیفرهای مشدد ایجاد گردید. از نظر تاریخی نیز «این رویکرد بعد از جنگ جهانی دوم و به طور ویژه از دهه ۱۹۸۰ توسط کشور آمریکا و سپس سایر کشورها در پیش گرفته شد» (Monahan & Skeem, 2013: 2). این رویکرد بر خلاف سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در عرصه کنترل جرم، به جای پرداختن به جرم و علل ارتکاب آن، ریسک ارتکاب آن را -مانند سایر ریسک‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی، بیمه و... وجود دارند- ارزیابی و آن را مدیریت می‌کند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۰: ۱۶). با این وصف، محور اصلی این نوع سیاست، تشدید کیفرها در راستای ناتوان‌سازی مجرمان است. امروزه دولت‌ها به بهانه کنترل جرم و مدیریت خطر، سیاست کیفری خود را تشدید کرده و در میان اجرای عدالت و یا تأمین امنیت، سیاست خود را بر مدار امنیت‌گرایی و مدیریت خطر پایه‌گذاری می‌نمایند؛ به گونه‌ای که تصمیم‌سازی‌های مربوط به کنترل جرم و مدیریت خطر، قطعاً بر حقوق کیفری سایه انداخته و در تعیین جرائم و مجازات‌ها و نحوه برخورد با بزهکاران و مسئله بزهکاری تأثیر ویژه‌ای داشته است (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۱). در این رویکرد، نظام حاکم با پذیرفتن یک قاعده فرضی مبنی بر اینکه رفتارهای گذشته افراد بیانگر رفتارهای احتمالی آن‌ها در آینده است (Hamilton, 2015: 1) و با اتخاذ شیوه سنجش ریسک جرم و محاسبه میزان خطرات ناشی از جرائم احتمالی توسط مجرمان فعلی، در حوزه حقوق ماهوی ضمانت‌اجراهایی را وضع می‌کند که به زعم خود ریسک ارتکاب جرم را به نحو قابل توجهی کاهش می‌دهد و در نتیجه چنین رویکردی، راه را برای سختگیری کیفری و امنیت‌گرا شدن حقوق کیفری باز نموده و به قانون‌گذار اجازه می‌دهد که به

بهانه از بین بردن ریسک جرائم آینده، ضمانت اجراهای شدیدی را پیش‌بینی نماید. چنین رویکردی که از آن به عنوان عدالت محاسبه‌گر نیز یاد می‌شود، متضمن جلوه‌هایی از جمله دوری از اندیشه اصلاح و درمان و توسل به عدالت کیفری زودآما در حقوق کیفری است که با بررسی انگ‌زنی مجرمانه در پرتو آن‌ها می‌توان به این نتیجه دست یافت که مقوله بدنام کردن اشخاص واجد رویکرد ریسک‌مدار به عنوان جلوه‌ای از امنیت‌گرایی کیفری است:

### ۱. دوری از اندیشه اصلاح و درمان

در سیاست اصلاح و درمان، سیاست جنایی در صدد اجتناب از ارتکاب جرائم جدید به وسیله یک مجرم با استفاده از مجازات به منظور اصلاح اوست. در این دیدگاه، اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد.<sup>۱</sup> یکی از جلوه‌های سیاست جنایی ریسک‌مدار دوری از اندیشه اصلاح و درمان است. همان‌گونه که بیان شد، سیاست جنایی ریسک‌مدار به دنبال افول سیاست اصلاح و درمان آن‌ها به عرصه حقوق کیفری گذاشت. از جمله اصول مهم سیاست اصلاح و درمان، فردی کردن تدابیر کیفری است. در رویکرد ریسک‌مدار به عنوان جلوه‌ای از امنیت‌گرایی کیفری، اصل فردی‌سازی کیفرها کنار گذاشته می‌شود. بنابراین در چنین رویکردی، با کاهش اختیارات قاضی در راستای تطبیق کیفرها با خصوصیات شخص مجرم، و قرار گرفتن اصل فردی‌سازی قانونی به جای اصل فردی‌سازی قضایی مواجه خواهیم بود. در نتیجه سیاست کیفری امنیت‌گرا با نگرش سختگیرانه، در راستای تضعیف سیاست اصلاح و درمان و پیشگیری از بزهکاری مبتنی بر آن گام برداشته است (نجفی ابرندآبادی، ۹۲-۱۳۹۱: ۳۹).

درباره انگ‌زنی افراد از منظر سیاست اصلاح و درمان می‌توان گفت که اصولاً ضمانت اجراهای واجد خصیصه شدید انگ‌زنی، فاقد کارکرد اصلاح و درمان هستند؛ زیرا هرچند سیاست اصلاح و درمان، بیمار جلوه دادن شخص مجرم و درمان پزشکی وی می‌باشد، در فرایند انگ‌زنی هنگامی که فرد، برچسب منحرف (مانند معتاد)

۱. البته مراد بهبود اخلاقی بزهکار نیست؛ زیرا برای حقوق کیفری، بهبودی اجتماعی که مجرم سابق را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه سوق می‌دهد، کافی است (بولک، ۱۳۸۷: ۳۳).

دریافت می‌کند، دیگران او را منحرف می‌شناسند. برچسب‌زنی به شرایط ویژه‌ای می‌انجامد که مجرم لقب منحرف خود را می‌پذیرد و این لقب را بیشتر از دیگر ویژگی‌هایش باور می‌کند. سپس مجرم جذب حاشیه جامعه می‌شود و خرده‌فرهنگ‌هایی را می‌پذیرد که از انحراف حمایت می‌کنند و در نتیجه خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه راه‌حل‌های مجرمانه بسیاری را در اختیار کسانی قرار می‌دهند که به عبارتی قربانی توهین و انگ‌زنی شده‌اند (خواجه‌نوری، ۱۳۹۳: ۱۰۸۹/۲-۱۰۹۰). چنین فردی دیگر نمی‌تواند فرایند اصلاح و درمان را تجربه نماید. چنین موضوعی در خصوص مصادیق انگ‌زنی در حقوق ایران به ویژه انتشار حکم محکومیت در مواد ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی صادق است؛ زیرا هنگامی که شخص به عنوان مجرم در رسانه‌ها معرفی می‌شود، نه تنها بر اثر این برچسب مجرمانه قابلیت اصلاح و درمان ندارد، بلکه ادامه زندگی خود را در گروه‌های مجرمانه می‌جوید.

## ۲. توسل به عدالت کیفری زودآما

عدالت کیفری زودآما، رویکردی است که نخستین بار جرج ریتزر<sup>۱</sup> جامعه‌شناس آمریکایی،<sup>۲</sup> به منظور توصیف پدیده‌های جامعه‌شناختی<sup>۳</sup> که در جامعه اتفاق می‌افتند، به کار گرفته است. در واقع تمسک به عدالت کیفری زودآما یک فرایند توجیه عقلی<sup>۴</sup> هرچند در قالبی مشدد است که به دنبال حذف برخی قواعد سنتی و جایگزین نمودن یک سلسله قواعد عقلی صوری است. «جرج ریتزر از تجزیه و تحلیل اصول حاکم بر رستوران‌های زودآما (فست‌فود) برای تبیین خصایص اجتماعی و فرهنگی جوامع مدرن خصوصاً جامعه آمریکایی استفاده کرده است» (پاک‌نهاد، ۱۳۹۰: ۱۳۹). در نتیجه مدل

1. George Ritzer.

۲. جرج ریتزر استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه مریلند است. حوزه‌های علاقه اصلی او عبارت‌اند از نظریه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی کار. او از سال ۱۹۸۹ سرپرست بخش سازمان‌ها و مشاغل در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا بوده است. برخی آثار ریتزر عبارت‌اند از: نظریه جامعه‌شناسی، فرانظر به‌پردازی در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی؛ یک علم چندانگاره‌ای و به سوی یک انگاره جامعه‌شناختی تلفیقی (ریتزر، ۱۳۷۷: ۱).

3. Sociological phenomenon.

4. Rationalization.

سیاست جنایی ریسک‌مدار به تبع تفکر ریتزر، به دنبال حاکم نمودن تفکر تمسک به عدالت کیفری زودآما بر حقوق کیفری و استفاده از اصول حاکم بر رستوران‌های زودآما در نظام تدوین و تعیین کیفرهاست که اهم این ویژگی‌ها «کارایی» است. در این راستا کارایی به معنای دستیابی به حداکثر ناتوان‌سازی ممکن برای مرتکبان خطرناک است که در این میان، جرائم خشونت‌آمیز اهمیت خاصی را دارا می‌باشند (همان: ۱۴۰). بنابراین می‌توان انگ‌زنی مجرمانه در جامعه کنونی را یکی از مصادیق بارز این رویکرد دانست؛ زیرا در حقوق کیفری ایران، ضمانت اجراها و تدابیر واجد خصیصه انگ‌زنی هرچند به طور فیزیکی شخص مجرم را از صحنه جامعه حذف نمی‌کنند، به طور معنوی او را حذف می‌نمایند که اثرات منفی آن به مراتب از حذف فیزیکی بیشتر است؛ چرا که با از بین رفتن حیثیت و سلب هویت محله‌ای و سرمایه اجتماعی مجرم، دیگر جایگاه چندانی برای وی در جامعه باقی نمی‌ماند و جامعه نیز چندان پذیرای او در امور اجتماعی و گروه‌های جمعی نمی‌باشد؛ برای نمونه، وقتی در راستای مواد ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی به اشخاص انگ مجرمانه وارد می‌شود، در این حالت به نوعی خود مجرم با تغییر خودانگاره شخصی<sup>۱</sup> و پذیرفتن هویت مجرمانه، از زندگی اجتماعی خود جدا شده و بقیه زندگی را در انزوا و یا در گروه‌های مجرمانه می‌گذراند؛ به ویژه اینکه در حال حاضر با گسترش شبکه‌های مجازی و اجتماعی، فرایند انگ‌زنی به سرعت در بین افراد جامعه منتشر می‌شود. با این اوصاف ملاحظه می‌شود که ضمانت اجراهای بدنام‌کننده در حقوق کیفری ایران، دارای رویکردی ریسک‌مدار به عنوان جلوه‌ای از رویکرد کیفری امنیت‌گرا و سختگیرانه است.

۱. یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در خصوص پرهیز از تکرار جرم توسط مجرمان، خودانگاره شخصی است. خودانگاره شخصی به معنای نگرشی است که افراد راجع به خودشان دارند. در واقع انسان‌ها به دلیل دارا بودن ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، حساس بودن و آسیب‌پذیر بودن، اصولاً در صحنه اجتماع و در اثر ارتباط با دیگران، قابلیت تغییر خودانگاره شخصی را دارند (Lainer & Henry, 2004: 203). بنابراین در زمان وقوع جرم و اعلان نام مجرم به اجتماع، وضعیت چنین تصور می‌شود که شخص مجرم در اثر ارتباط با دیگرانی که او را به عنوان یک مجرم می‌شناسند، خودانگاره شخصی خود را تغییر می‌دهد و به نوعی می‌پذیرد که مجرم است. بنابراین این نگرش نسبت به خود، همان است که در اثر ارتباط با دیگران به دست می‌آید که «کولی» آن را خودنگری تلقی می‌کند (ولد و برنارد و اسنیپس، ۱۳۸۰: ۳۰۲).

## دوم: جلوه‌های شکلی

حقوق شکلی نیز عاری از رویکرد امنیت‌گرایی کیفری نیست و جلوه‌های این رویکرد در قوانین و رویه‌های شکلی، ارتباط نزدیکی با مصادیق انگ‌زنی کیفری اشخاص دارد. در حقوق کیفری ایران نشان‌دار کردن متهمان (در مرحله تعقیب و رسیدگی)، شناساندن مجرمان به جامعه (در مرحله اجرای حکم)، عدول از موازین حقوق فردی و دادرسی عادلانه در برخی موارد، از جلوه‌های امنیت‌گرایی کیفری است.<sup>۱</sup>

### الف) نشان‌دار کردن متهمان

نشان‌دار کردن کیفری متهمان به عنوان یکی از جلوه‌های سیاست کیفری امنیت‌گرا در عرصه قوانین شکلی مطرح می‌شود. به رغم اینکه امروزه در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز در نظام‌های حقوق داخلی کشورها، فرض برائت به عنوان یکی از معیارهای اصلی دادرسی عادلانه پذیرفته شده است، در برخی نظامات از جمله نظام کیفری ایران در راستای پیاده‌سازی سیاست کیفری امنیت‌گرا مبتنی بر سختگیری، نشان‌دار کردن متهمانی که هنوز هیچ اظهارنظری درباره مجرمیت یا برائت آن‌ها صورت نپذیرفته، مجاز شمرده شده است. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار در برخی موارد، مقامات دادسرا را مجاز به بدنام نمودن متهمان نموده است. در ماده ۹۶ این قانون<sup>۲</sup>

۱. در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا نیز در سال‌های اخیر، امکان دستیابی عموم به سوابق کیفری افراد به سرعت در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر دادگاه‌ها با ایجاد تارنماهایی، به عموم مردم اجازه می‌دهند تا بتوانند به شرایط و اوضاع و احوال پرونده کیفری اشخاص دسترسی داشته باشند (Dynes & Whitmer, 2013: 517).

۲. به موجب این ماده: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف- متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دسترسی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود. ب- متهمان دستگیر شده که به اتهام چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان منتشر می‌شود».

هرچند انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع گردیده است، استثنائاتی نیز در این خصوص ذکر شده که دایره این استثنائات از گستردگی قابل توجهی برخوردار است.<sup>۱</sup> از نظر تطبیقی، در نظام کیفری کشور آمریکا نیز با ایجاد سامانه‌های الکترونیکی و تارنها، امکان آگاه شدن افراد از اتهامات اشخاص وجود دارد؛ برای نمونه در شهر ماریکوپا<sup>۲</sup> (از توابع ایالت آریزونا) اداره‌ای وجود دارد که امکان دستیابی مردم به خصوصیات متهمان از جمله عکس، تاریخ تولد، قد و وزن و اتهاماتی را که تا کنون به خاطر آن‌ها تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، فراهم می‌نماید (Dynes & Whitmer, 2013: 517).

با این اوصاف مشخص می‌شود که مصادیق انگ‌زنی در زمینه شکلی نیز می‌تواند واجد یک رویکرد امنیت‌گرایی مبتنی بر سختگیری باشد؛ چرا که در جرائم زیادی به صرف وجود اتهام و با درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، امکان انتشار تصویر یا سایر مشخصات مربوط به هویت متهم امکان‌پذیر است که نه تنها برخلاف مقتضای کرامت انسانی است، بلکه مخالف مفاد حقوق شهروندی نیز می‌باشد؛ زیرا انتشار تصویر کسی که هنوز مجرمیت او ثابت نگردیده و در مرحله تحقیقات مقدماتی صرفاً به عنوان متهم تحت تعقیب قرار گرفته، اقدامی برخلاف مقتضای فرض برائت و غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود. حقوق دانان کیفری بر این باورند که هدف از غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی، رعایت فرض برائت و جلوگیری از انتشار خبر متهم است که حتی با صدور قرار منع تعقیب نیز قابل جبران نخواهد بود؛ امری که با غیر علنی بودن تحقیقات تا حدی تأمین و با این ویژگی تکمیل می‌گردد (خالقی، ۱۳۹۴: ۱/۱۷۱). بنابراین، این نتیجه حاصل می‌شود که انگ‌زنی موضوع ماده ۹۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری که مبتنی بر انگ‌زنی به متهمان است، واجد رویکرد سختگیرانه محسوب می‌شود.

۱. برای نمونه همان گونه که پیشتر ذکر شد، فقط یکی از این استثنائات، موارد موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است که شامل جرائم موجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن، و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه ۴ و بالاتر است که این خود شامل طیف گسترده‌ای از جرائم می‌شود.

2. Maricopa County.



## ب) نشان‌دار کردن مجرمان

یکی از جلوه‌های شکلی سیاست جنایی امنیت‌محور سختگیرانه، اجرای علنی مجازات‌ها و تجویز این امر در حوزه حقوق شکلی است. در این گفتمان، برخی ضمانت‌اجراهای کیفری هرچند ماهیتاً بدنام‌کننده نیستند، در برخی موارد قانون‌گذار اختیار اجرای علنی آن را به قاضی اعطا نموده است. از جمله این اختیارات در قوانین فعلی ایران، ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۱</sup> و ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر<sup>۲</sup> است. در این مواد که مصادیق گسترده‌ای را شامل می‌شود، اختیار اجرای علنی مجازات و نشان‌دار کردن مجرمان، به قضات و تفسیر شخصی آن‌ها سپرده شده است.<sup>۳</sup>

ماده ۴۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان جدیدترین مقررۀ کیفری شکلی موجود در سیاست جنایی ایران، هرچند در ابتدا اجرای علنی مجازات‌ها را ممنوع دانسته است، بعد از آن با آوردن استثنای مبتنی بر اختیار دادگاه یا پیشنهاد دادستان، مقولۀ گسترده‌ای را در خصوص اجرای علنی مجازات‌ها گشوده و به نوعی اختیار سلب حیثیت مجرمان را در خصوص تمامی انواع کیفرها حتی کیفرهایی که ذاتاً و ماهیتاً فاقد خصیصۀ انگ‌زنی می‌باشند، مجاز شمرده است. در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز با آوردن قید ایجاب مصلحت، اختیار نشان‌دار کردن مجرم و به تبع آن خانواده و کسان مجرم را در جرم قاچاق مواد مخدر به طور مسلحانه، در اختیار مقامات دستگاه کیفری سپرده است که این امر چندان با اصول حاکم بر مجازات‌ها به ویژه

۱. به موجب این ماده: «اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان، اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند».

۲. به موجب این ماده: «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی موضوع این قانون به طور مسلحانه، اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتكب در ملاء عام اجرا خواهد شد».

۳. از دیدگاه فقهی، همان‌گونه که در آثار محققان اخلاقی و اسلامی نیز بیان شده است، اجرای علنی مجازات‌ها در بین فقها و متفکران اسلامی نیز طرفدار چندانی ندارد و ایشان آن را خلاف مذاق شریعت و مفاهیمی همچون حرمت آبرو و حفظ کرامت انسانی دانسته‌اند (محقق داماد و سادات حسینی، ۱۳۸۰: ۲۵/۲؛ فلاح احمدچالی بابل، ۱۳۸۶: ش ۲۵۶/۸).

اصل شخصی بودن مجازات مطابقت ندارد. این موضوع با نظام کیفری ایالات متحده آمریکا نیز قابل تطبیق است؛ زیرا در این کشور، اجرای علنی مجازات‌ها امری شایع و رایج است تا آنجا که نام مجرمان مواد مخدر، فرزندآزاری و همچنین رانندگی در حال مستی، در بیلبوردهای بسیاری از شهرها اعلام می‌شود (Palmer, 2012: 1).<sup>۱</sup>

با این اوصاف ملاحظه می‌شود که در نظام کیفری فعلی ایران، رویکرد انگ‌زنی اشخاص در حوزه شکلی وجود دارد.

### ج) نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی و دادرسی عادلانه

یکی از جلوه‌های سیاست کیفری امنیت‌گرا، عدول از موازین دادرسی عادلانه و همچنین حذف نهادهای فردی‌سازی در راستای افزایش خشونت ناشی از مجازات است. اصولاً دولت‌ها برای تأمین امنیت و نظم عمومی، دارای قدرت مجاز مبنی بر تحدید حقوق و آزادی افراد هستند.<sup>۲</sup> با این اوصاف می‌توان اذعان داشت که نظام حاکم به بهای تأمین امنیت در برخی موارد، خود را مجاز به از بین بردن حیثیت انسان‌ها می‌داند. گرچه امروزه با گسترش نظریه‌هایی چون جهان‌شمولی حقوق بشر و نظم حقوقی مبتنی بر عرفی یا حتی آمره بودن قواعد حقوق بشر در سطح بین‌المللی می‌توان از مقوله امنیت ملی به عنوان یکی از عوامل حمایت از حقوق بشر (و حفظ حیثیت و

۱. در این خصوص، احکام دیگری از دادگاه‌های آمریکا نیز صادر شده است؛ برای مثال، دادگاهی در ایالت کالیفرنیا در پرونده مک‌دوول که دارای سه فقره محکومیت سرقت بود، مرتکب را محکوم به پوشیدن کفش‌های صدادار - کفش‌هایی با پاشنه فلزی که در مراسم رقص استفاده می‌شد - در بیرون از خانه نمود. در همین ایالت در پرونده‌ای دیگر (پرونده هاگلر) دادگاه شخص مرتکب را چنین محکوم نمود که در زمان آزادی مشروط، مدتی که بیرون از خانه است، لباسی را بپوشد که بر روی آن عبارت: «مدت محکومیت من ۴ سال است» و در پشت آن عبارت: «من در آزادی مشروط برای جرم سرقت به سر می‌برم» نوشته شده است. در پرونده معروف دیگری (پرونده بیت‌من) دادگاه شخص محکوم را مجبور ساخت که در محل اقامت و همچنین بر روی وسیله نقلیه‌اش جمله‌ای را بنویسد که نشان دهد او یک مجرم جنسی خطرناک است. به عنوان نمونه‌ای دیگر، در شهر ماریکوپا (از توابع ایالت آریزونا) در سال ۲۰۰۷ تصمیم گرفته شد که اسامی افراد مرتکب رانندگی در حال مستی را در تارنماها و بیلبوردهای خاصی در شهر اعلام کنند (Dynes & Whitmer, 2013: 516-517).

۲. تا آنجا که حتی برخی در مقام تعریف امنیت ملی بیان داشته‌اند: «مفهوم امنیت ملی را می‌توان مفهومی دانست که دولت‌ها بر اساس آن اعمال حقوق و آزادی‌ها را محدود می‌سازند» (مرکز مالگیری، ۱۳۸۳: ش ۷۵۶/۲۶).

سرمايه اجتماعی انسان‌ها) نام برد (مرکز مال‌میری، ۱۳۸۳: ش ۷۵۷/۲۶)، اما در عمل بیشتر دولت‌ها بر خلاف قوانین رفتار می‌کنند. علاوه بر این، تأکید بیش از اندازه رسانه‌ها بر خطر ارتکاب جرم و مبالغه‌آمیز بودن عملکرد آنان در این مسیر به موازات طرح این مسئله که اقدام‌های انجام‌شده جهت مقابله با جرم و کاهش آن با اقدام‌هایی که باید برای کاهش خطر واقعی جرم انجام شود، تناسبی ندارد، همگی بستر ساز افزایش حمایت‌های سیاسی از روش‌های اقتدارگرایانه برای حل بحران افزایش بزهکاری و توسل به امنیت‌گرایی شده است. به عبارت دیگر، افراط‌گرایی و عوام‌فریبی در بیان نرخ رو به رشد خطر بزهکاری و ترس‌افکنی در میان شهروندان نسبت به آن جهت رسیدن به اهداف و نیات سیاسی و غیر سیاسی دولتمردان، امنیت‌گرایی در سیاست جنایی و تحدید با تعلیق حقوق و آزادی‌های شهروندان و نیز تحدید تضمینات یک دادرسی عادلانه را با خود به همراه داشته است (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ش ۱۱۲/۸۱).<sup>۱</sup> بنابراین با توجه به قدرت ویژه‌ای که رسانه‌های عمومی دارند، فعالیت‌هایشان افزایش فشار عمومی را برای سیاست‌گذاری‌های مؤثرتر و پاسخ‌سختگیرانه‌تر نسبت به جرم به دنبال دارد.

در تحلیل انگ‌زنی اشخاص از منظر بحث عدول از موازین دادرسی منصفانه -به‌عنوان یکی از جلوه‌های سیاست کیفری امنیت‌مدار- می‌توان گفت که انگ‌زنی به‌خودی‌خود حاصل نادیده گرفتن موازین دادرسی منصفانه از جمله نادیده گرفتن قاعده برابری سلاح‌ها بین طرفین دعوای کیفری و همچنین کم‌رنگ شدن فرض بی‌گناهی است.

۱. از نظر تطبیقی در نظام آمریکا نیز اصولاً رسانه‌ها در بیان اخبار جنایی با شیوه‌های خاصی که دارند ممکن است عملکردشان چندان با واقع متناسب نباشد که این خود می‌تواند موجب انتقاد عمومی کاذب و خواست بی‌رویه عموم از دولت‌ها و دستگاه‌های عدالت کیفری باشد؛ برای نمونه در سال ۲۰۰۵ جرم و عدالت کیفری موضوعات اصلی و مرکزی رسانه‌ها بودند، در حالی که در یکی از تحقیقات انجام‌شده در همان سال، جمعیت کیفری این کشور و بزه‌دیدگان خوداظهار زیاد نبودند؛ ضمن آنکه در همین کشور در اولین هفته سال ۲۰۰۹ از هر ۲۰ برنامه مشاهده‌شده در تلویزیون و رسانه‌ها، ۱۰ برنامه دارای صبغه عدالت کیفری بوده‌اند (Owens, 2010: 3).

## ۱. نادیده گرفتن قاعدهٔ برابری سلاح‌ها

یکی از جنبه‌های اصلی دادرسی عادلانه که در حال حاضر به عنوان فهم متقن از یک رسیدگی کیفری منصفانه تلقی می‌شود، برابری سلاح‌هاست. برای جامعهٔ عمل پوشاندن به این مقوله لازم است که طرفین دادرسی، فرصت معقولی را برای ارائه و (توضیح) شرایط پروندهٔ خود (به گونه‌ای) که شخص را در مقابل طرف دیگر مصون از آسیب و زیان قرار دهد، داشته باشند (Gless, 2013: 89). به عبارت دیگر، تساوی سلاح‌ها نیازمند وجود یک تعادل منطقی بین طرفین دعاوی حقوقی و کیفری است (Council of Europe, 2014: 21).<sup>۱</sup> بنابراین ایجاد دادرسی عادلانه بدون اجرای صحیح برابری سلاح‌ها امری غیرممکن به نظر می‌رسد.

در خصوص فرایند انگ‌زنی اشخاص و اجرای تساوی سلاح‌ها می‌توان چنین اظهارنظر نمود که ضمانت اجرای واجد خصیصهٔ انگ‌زنی شدید در حقوق کیفری ایران از جمله انتشار حکم محکومیت، تشهیر مجرم، نصب پارچه و پلاکارد، دسترسی عموم به سوابق اتهام افراد و محکومیت‌های آن‌ها و... به ویژه در زمان حاضر به دلیل پیشرفت فناوری و ایجاد شبکه‌های اجتماعی متعدد، بسیار سهل‌تر شده است و در صورتی که در آینده اتهامی متوجه شخص انگ‌خورده شود، می‌تواند در این اتهامات مؤثر واقع شود؛ زیرا زمانی که شخص در سطح وسیعی از جامعه یا کل جامعه به عنوان یک مجرم یا حتی متهم به مردم شناسانده می‌شود، در اتهامات احتمالی آینده - که شاید حتی واهی و بی‌پایه باشند- موجب ضعیف شدن موضع دفاعی، تأثیر بر ذهن قاضی و از همه مهم‌تر زیر سؤال بردن اصل بی‌طرفی به عنوان یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در

۱. در فقه و حقوق اسلامی نیز مفهوم برابری امکانات دفاعی در رسیدگی‌های قضایی، قدمتی دیرینه دارد. بهترین دلیل در این باره روایت معروف زیر است. امام علی علیه السلام از فردی یهودی برای برداشتن زره آن حضرت شکایت می‌کند. قاضی هنگام قضاوت حضرت را با کنیهٔ ابوالحسن و فرد یهودی را با نام ساده‌اش مورد خطاب قرار می‌دهد که در این هنگام با اعتراض حضرت علی علیه السلام روبه‌رو می‌شود. اگرچه این حدیث به طور صریح به اصل برابری سلاح‌ها اشاره ندارد، به روشنی گویای این مطلب است که رعایت برابری بین طرف‌های دعوی در یک رسیدگی عادلانه باید تضمین شود (ساقیان، ۱۳۸۵: ش ۵۶-۵۷/۸۴).

۲. در کشور آمریکا حتی نرم‌افزارهایی در دسترس عموم مردم قرار دارد که به آسانی مجرمان جنسی یک منطقه را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، The North Carolina Sex Offender Registration Program یکی از این نرم‌افزارهاست که در وبگاه <http://sexoffender.ncsbi.gov> قابل مشاهده است.

یک دادرسی منصفانه می‌شود. بنابراین زمانی که حتی فراخواندن شاکی با نام کوچک، نوعی بی‌عدالتی تلقی و امری خلاف اخلاق شناخته می‌شود، چگونه می‌توان تضمین نمود فردی که سابقاً در سطح وسیعی از جامعه رسوا شده و انگ کیفری به او منتسب شده، در اتهامات بعدی کاملاً با تساوی و عدالت و به دور از هر گونه غرض مورد کنش‌های مجریان عدالت کیفری قرار گیرد. بنابراین فرایند انگ‌زنی از حیث نادیده گرفتن قاعدهٔ برابری سلاح‌ها نیز دارای رویکردی امنیت‌گراست.

## ۲. کم‌رنگ شدن فرض بی‌گناهی

اگر قائل به جهانی و فراگیر بودن فرض بی‌گناهی و برائت نشویم، دست کم می‌توان گفت که این اصل به طور گسترده به عنوان یکی از اصول اصلی و مرکزی عدالت کیفری و در تمامی معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان یک معیار دادرسی عادلانه شناخته می‌شود. فرض برائت از دههٔ گذشته تحقیقات و موضوعات دانشگاهی متعددی را در سطح ملی و بین‌المللی به خود اختصاص داده است (de Jong & van Lent, 2016: 32). در خصوص مبانی فرض بی‌گناهی، نظرات مختلفی بیان شده تا آنجا که برخی مبنای آن را اصول فقهی مانند اصل عدم، اصل اباحه و قاعدهٔ درء دانسته‌اند (رحمدل، ۱۳۸۵: ۲۰؛ رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۶-۲۰۹؛ سرمست بناب، ۱۳۸۷: ۵۳-۶۲) و عده‌ای دیگر با استناد به مفهوم کرامت انسانی و تمسک به تفکرات اسلامی بر این نظرند که فطرت آدمی بر خلاف طبیعتش دارای کرامت است و از جهت اصول و قواعد، مبتنی بر این فطرت است و باید متناسب با آن باشد و در نتیجه اصل بر برائت است (قربانی و موحدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶/۲۶). در خصوص فرض بی‌گناهی و مصادیق انگ‌زنی اشخاص در حقوق کیفری ایران، به همان شیوه‌ای که در مطلب پیشین بیان شد، می‌توان گفت که کارکرد انگ‌زنی مجرمان به ویژه در اتهامات بعدی اشخاص انگ‌خورده، واجد کارکرد منفی است؛ به گونه‌ای که قادر است فرض بی‌گناهی را خدشه‌دار سازد. در واقع هرچند فرایند انگ‌زنی مجرمان نمی‌تواند این فرض قانونی را در مورد اتهامات بعدی اشخاص بدنام‌شده به طور کامل نادیده بگیرد، قادر است آن را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ برای نمونه زمانی که شخص به دلیل ارتکاب یکی از جرائم اقتصادی یا سایر جرائم موضوع

ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> به جامعه معرفی می‌شود، به نوعی ذهن قاضی و یا نگرش دستگاه عدالت کیفری، وی را دیگر یک شخص عاری تلقی نمی‌کند، بلکه با نوعی پیش‌داوری با او رفتار می‌نماید، هرچند که در اتهام جدید کاملاً بی‌گناه باشد.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

نظام کیفری کنونی ایران که به موجب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری با تغییر و تحولاتی روبه‌رو گردیده، مصادیق قابل توجهی از تدابیر و ضمانت‌اجراهای واجد انگ‌زنی شدید را - به صورت انتشار تصویر متهمان، اجرای علنی کیفر و انتشار حکم محکومیت (به عنوان مجازات اصلی و تکمیلی) - شامل می‌شود. این مصادیق که نسبت به موارد مشابه در قوانین سابق افزایش یافته، به بهانه افزایش ارتکاب جرائم به ویژه جرائم علیه منافع عموم و جرائم اقتصادی در سال‌های اخیر تصویب شده که در نتیجه آن، قانون‌گذار ایران با اتخاذ رویکردی امنیت‌گرا و در جهت سلب توان مجرمانه افراد، اقدام به توسیع مصادیق انگ‌زنی و بدنام کردن اشخاص، چه در قوانین ماهوی و چه در قوانین شکلی نموده است. با توجه به اینکه از یک سو اتخاذ سیاست تسامح صفر، توسل به رویکرد ریسک‌مدار به حقوق کیفری از طرقی مثل حذف

۱. به موجب این ماده: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: الف- رشاء و ارتشاء، ب- اختلاس، پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث- تبانی در معاملات دولتی، ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح- جرائم گمرکی، خ- قاچاق کالا و ارز، د- جرائم مالیاتی، ذ- پولشویی، ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

۲. این امر در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا به عنوان نظامی که تحت تأثیر وقایع سیاسی، متوسل به ضمانت‌اجراهای شدیدتر از جمله بدنام کردن اشخاص گردیده، به نحو پررنگ‌تری مشاهده می‌شود؛ چه اینکه در طول تاریخ حقوق کیفری نیز تشکیک‌هایی که نسبت به فرض برائت صورت گرفته، تحت تأثیر وقایع سیاسی بوده است (آشوری، ۱۳۷۲: ش ۴۴/۲۹).

کارکرد اصلاح و درمان و تمسک به عدالت کیفری زودآما در حقوق کیفری، از جلوه‌های ماهوی سیاست کیفری امنیت‌گرا محسوب می‌شوند و از طرف دیگر نیز انگ‌زنی به متهمان و مجرمان، نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی و دادرسی عادلانه، بی‌توجهی به قاعدهٔ برابری سلاح‌ها و کم‌رنگ شدن فرض بی‌گناهی از جلوه‌های بارز امنیت‌گرایی در حوزهٔ شکلی تلقی می‌شوند، در نتیجه نشانه‌های امنیت‌گرایی کیفری در مصادیق انگ‌زنی و بدنام کردن اشخاص در نظام کیفری ایران قابل مشاهده است.

حسب عدم کارکرد مطلوب یافته‌ها و سیاست‌های مورد قبول امنیت‌گرایی کیفری به جهت نادیده گرفتن مطالعات علمی و تجربی و تکیهٔ افراط‌آمیز بر مقولهٔ امنیت، و با توجه به اینکه انگ‌زنی و بدنام کردن اشخاص نیز مبتنی بر چنین سیاستی است، در وهلهٔ نخست کاهش مصادیق کیفرهای مبتنی بر انگ‌زنی شدید و شرمسارکننده در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌گردد و به نظر مطلوب است که در بلندمدت، قانون‌گذار به سمت حذف چنین تدابیر و ضمانت‌اجراهایی گام بردارد.

### کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۹، مهر ۱۳۷۲ ش.
۲. آقایی‌نیا، حسین و بهروز جوانمرد، «سیاست کیفری سختگیرانه در قبال جرائم کیفری خرد در پرتو راهبرد تسامح صفر با تأکید بر حقوق کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۳. برنجی اردستانی، مرجان، «آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۴. بولک، برنارد، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد، ۱۳۸۷ ش.
۵. پاک‌نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک‌مدار، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۶. جوانمرد، بهروز، «نظریه کیفری و رویکرد امنیتی ج.ا. ایران در جرائم سبک با تأکید بر نظریه تسامح صفر و پنجره شکسته»، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۳، بهار ۱۳۸۶ ش.
۷. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و هشتم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴ ش.
۸. خواجه‌نوری، نسرین، «شرمساری باز پذیرکننده»، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۹. رحمدل، منصور، معکوس شدن بار اثبات در حقوق موضوعه ایران (پروژه تحقیقاتی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. رسن، جفری، «نگاهی به سیاست تسامح صفر»، ترجمه جلال‌الدین قیاسی، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴ ش.
۱۲. روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ترجمه ساناز الستی، تهران، میزان، بهار ۱۳۸۷ ش.
۱۳. ریتزر، جرج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی، بهار ۱۳۷۷ ش.
۱۴. ساقیان، محمدمهدی، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۶-۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ ش.
۱۵. سامی، علی، «قضاوت در ایران باستان»، مجله کانون سردفتران، سال نهم، شماره ۷، ۱۳۴۴ ش.
۱۶. سرمست بناب، باقر، اصل برائت در حقوق کیفری، تهران، دادگستر، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. شاملو، باقر و مجید مرادی، «تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۲ ش.
۱۸. صدر توحیدخانه، محمد، «حقوق در چنبره دشمن، از سیاست آمریکایی جنگ با ترور تا نظریه آلمانی حقوق کیفری دشمنان»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. طاهری، سمانه، سیاست کیفری سختگیرانه، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۰. غلامی، حسین، «کیفرگرایی: مفهوم و گونه‌های آن»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های



- بین‌المللی (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلتناخ)، تهران، میزان، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۱. فلاح احمدچالی بابلی، حسن، «اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل»، *مجله فقه و مبانی حقوق*، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۲۲. فیض، رضا، «کرامت ذاتی انسان در عرفان ابن عربی»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۲۳. قربانی، علی و جعفر موحدی، «اصل برائت در اندیشه فقهی و فرض بی‌گناهی»، *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۴. قناد، فاطمه و مسعود اکبری، «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶ ش.
۲۵. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (الهیات و حقوق)*، سال پنجم، شماره‌های ۱۶-۱۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴ ش.
۲۶. مارتینز، رنه، *تاریخ حقوق کیفری در اروپا*، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، چاپ دوم، تهران، مجد، اسفند ۱۳۸۵ ش.
۲۷. محتشمی، ندا، *تحلیل و نقد نظریه تعامل‌گرایی و آثار آن در جرم‌شناسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. محقق داماد، سیدمصطفی و سیدحسین سادات‌حسینی، «چشم‌اندازی بر حدود و اجرای علنی آن» (گفتگو)، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰ ش.
۲۹. مرکز مال‌میری، احمد، «محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۳۰. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ دهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، چاپ سی و یکم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
۳۲. مهدوی‌پور، اعظم و نجمه شهرانی کرانی، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، *فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی (تقریرات درس جرم‌شناسی)*، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تدوین سکینه خانعلی‌پور واجارگاه و مهدی قربانی، نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۹۱-۹۲ ش. قابل دسترسی در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir).
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری*، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تدوین ایرج خلیل‌زاده و سیدپوریا موسوی، ۱۳۹۴-۹۵ ش. قابل دسترسی در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir).
۳۵. نوروزی، نادر، «جرائم خرد علیه نظم عمومی؛ راهبردها و راهکارها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴ ش.
۳۶. وکیل گیلانی، آذر (مترجم)، *قانون‌نامه حمورابی*، تهران، پویندگان طب، ۱۳۸۳ ش.
۳۷. ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. ویلیامز، فرانک پی. و ماریلین دی. مک‌شین، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۳ ش.

39. Council of Europe/European Court of Human Rights, *Guide on Article 6 of the European Convention of Human Rights* (Right to a fair trial), 2014.
40. de Jong, Ferry & van Lent, Leonie, "The Presumption of Innocence as a Counterfactual Principle", *Utrecht Law Review*, Vol. 12(1), 2016.
41. Etzioni, Amitai, "Back to the Pillory", *The American Scholar*, Vol. 68(3), 1999.
42. Gless, Sabine, "Transnational Cooperation in Criminal Matters and the Guarantee of a Fair Trial: Approaches to a General Principle", *Utrecht Law Review*, Vol. 9(4), 2013.
43. Goldman, Lauren M., "Trending Now: The Use of Social Media Websites in Public Shaming Punishments", *American Criminal Law Review*, Vol. 52(2), 2015.
44. Hamilton, Melisa, "Back to the Future: The Influence of Criminal History on Risk Assessment", *20 Berkeley Journal of Criminal Law* 75, University of Houston Law Center No. 2015-A-1, 2015.
45. Lainer, Mark M. & Stuart Henry, *Essential Criminology*, Colorado, Boulder, Westview Press, 2004.
46. Lee Dynes, Michael & Henry Edward Whitmer, *The Scarlet Letter of the Law: A Place for Shaming Punishment in Arizona*, 2013.
47. Monahan, John & Jennifer L. Skeem, "Risk Redux: The Resurgence of Risk Assessment in Criminal Sanctioning", *Virginia Public Law and Legal Theory Research Paper*, No. 2013-36, 2013.
48. Owens, Emily Greene, *Media and the Criminal Justice System*, Cornell University, June 2010.
49. Palmer, Brian, *Can We Bring Back the Stockades? The constitutionality of public shaming*, Nov 2012, Available at: <<http://www.slate.com>>.
50. Reutter, David M., "For Shame! Public Shaming Sentences on the Rise", *Prison Legal News*, U.S.A., Feb 2015, Available at: <<https://www.prisonlegalnews.org>>.